

حرمت - خود و موسیقی کودک!

موسیقی در بسیاری از فرهنگ های جهان طی قرن اخیر یکی از اصول برنامه ریزی درسی کودکان بوده است. از زمان بازی های آموزشی فروبل^۱ که در آن از بازی در آموزش بهره گرفته می شد (موریسون، ۱۹۹۷)، مربیان کودک به اهمیت تجربه های موسیقایی پی بردند. بسیاری از مولفان دریافتند که موسیقی نه تنها در تحول هوش موسیقایی موثر است بلکه در یادگیری نمادهای کلامی، درک توالی ها و ردیف های زمانی، حافظه و تمییز شنیداری بسیار مفید است (گاردنر، ۱۹۸۳). به علاوه، تحقیقات نشان می دهد که آموزش موسیقی در کودکان پیش دبستانی، باعث افزایش استدلال زمانی- فضایی^۲ در آنان می شود (راچر، ۱۹۹۷).

کودکان با آواز خواندن لذت می برند و شادی ها را تجربه می کنند و آن را به عنوان بخشی از زندگی روزمره می پذیرند. خصوصاً هنگامی که مربی آواز می خواند یا آهنگی را هنگام بیرون رفتن کودکان، در پایان کلاس می خواند. به نظر می رسد هنگامی که کودکان در بازی های موسیقایی شرکت می کنند، به راحتی قادر به درک عناصر موسیقی می شوند. بسیاری از کودکان در ترانه هایی نظیر: صبح که از خواب پا می شم ... ، به به چه برفی، نشست رو زمین ... بسیاری از مهارت های روزمره را می آموزند. به نظر می رسد غالب کودکان مشارکت خود را در فعالیت های موسیقایی فقط یک سرگرمی می دانند اما از نظر متخصصان موسیقی ارائه یک برنامه تعریف شده آموزش موسیقی که با برنامه ریزی درسی آنان یکپارچه شده است می تواند کمک شایانی در کسب مهارت های پایه باشد. از جمله این مهارت ها گفتار، افزایش مفاهیم موسیقی (از جمله ریتم، نگهداری ضرب های منظم، ملودی، دینامیک^۳) است که امکان بیان خلاق و ایجاد حس همکاری را در کودکان به وجود می آورد.

^۱ - Froebel

^۲ - Spatial-temporal

^۳ -Dynamic

کودکان برای یادگیری چگونگی بیان باورها و احساسات خود نیازمند موقعیت هایی هستند که در طول روز بتوانند با شیوه ای زیبایی شناختی آن ها را نشان دهند شیوه ای که باید از طریق موسیقی ارائه شود (بریدکمپ و کاپل ، ۱۹۹۷).

یکی از دست آورد های ارزشمند آموزش موسیقی به کودکان افزایش "حرمت خود"^۱ در آنان است که می تواند زیربنای تمرین های موسیقی نیز باشد (همان منبع) . به عبارت دیگر در یک کلاس موسیقی که در آن یادگیری مهارت حل مساله به کودکان مورد تاکید است و آموزش های مربوط به رفتارهای اجتماعی آموزش داده می شود می توان شاهد ارزنده سازی های مثبت در کودکان بود. به علاوه، از ویژگی های مریبان این گونه کلاس ها استفاده از راهبردهای مثبت و بهره گیری از شیوه های مدیریت شخصی است که به کمک آن کودکان تشویق می شوند تا علایق شخصی خود را خودشان انتخاب کنند. بدین ترتیب با بر طرف کردن نیازهای خود به طور مستقل به رضایت از آنچه هستند دست می یابند. همچنین با دست یابی به فرصت بیان خلاق از طریق هنر کودکان می آموزند که چگونه احساس خوبی نسبت به خود داشته باشند.

تحول مهارت ها در حرکات درشت^۲ (حرکاتی نظیر جلو و عقب رفتن ، راه رفتن ریتمیک ، پریدن ، لی لی کردن ، سرخوردن ، با پا ضربه زدن روی زمین) و حرکات ظریف^۳ (مانند حرکات انگشتان یا دست ها همراه با گوش دادن به موسیقی و آواز خواندن) می تواند به منزله ابزاری باشد که به بیان موسیقایی کودک کمک می کند. پاسخ های ریتمیک به آواها می تواند بدن و ذهن را به طور هماهنگ متأثر کند. در بین کودکان می توان گروهی را یافت که به سختی در مورد خودشان حرف می زنند و یا از مشارکت در تجربیات هنری سر باز می زنند اما، همین افراد ممکن است از جنبه حرکتی و هیجانی فعالیت های موسیقی لذت ببرند. از این رو تشویق کودکان به خلق موسیقی خاص خودشان منجر به افزایش مهارت های ارتباطی می شود.

حرمت خود در کودک با درک او از خودش به عنوان یک فرد شایسته مربوط است

(هندریک، ۱۹۹۸). بدین ترتیب درحالی که کودک مشغول یادگیری است تفکر " من می توانم " را به

¹ - Self-esteem

² - Gross-motor

³ - Fine-motor

طور طبیعی گسترش می دهد. موسیقی به کودکان درگسترش مهارت هایی چون، به خاطر سپردن ترانه ها و آهنگ ها ، اضافه کردن فعالیت های مناسب و یا حتی تنظیم جمله های جدید برای ملودی آشنا کمک می کند. همچنین یادگیری آواها دانش کودکان را درباره محیط پیرامونشان بیشتر می کند برای مثال ضرب گرفتن به همراه آواز، آواز خواندن درباره حیوانات یا حشرات و گوش دادن به موسیقی فرهنگ های دیگر می تواند مثال خوبی از این نوع یادگیری باشد.

کودکان اغلب با شرکت در فعالیت های موسیقی احساس شایستگی می کنند. گاردنر (۱۹۸۳) بر این باور است که آواز خواندن، رقصیدن یا حرکات واکنشی به موسیقی در بهبود حُلق آنان موثر است. همچنین از نظر این محقق هدف از موسیقی کودک افزایش مشارکت معنادار است، مشارکتی که در آن حس خوشی و شادی را در کودک بر می انگیزد و حرکت با موسیقی تحول هوش حرکتی را در کودک تقویت می کند. به همین دلیل گاردنر اعلام می کند که مربیان می توانند از راهنمایی های ساده زیر در برنامه کلاس موسیقی در افزایش **حرمت خود** در کودکان استفاده کنند.

قطعاتی را انتخاب کنید که در کودکان پیش دبستانی احساس

موفقیت را برانگیزد

کودکان را به آواز خواندن تشویق کنید. اما به یاد داشته باشید که بعضی ملودی ها برای خواندن کودکان مشکل است در نتیجه تلاش آنان را برای یادگیری ملودی ها قبل از اینکه شروع کنند، بی اثر خواهد کرد. از دیدگاه فیزیولوژیکی محدوده صوتی کودکان برای آواز خواندن در ملودی های سخت آمادگی لازم را ندارد و گروهی از متخصصان موسیقی حرفه ای قطعه هایی که از شش یا هفت نت تشکیل شده باشد را پیشنهاد می کنند (چکسی^۱، ابرامسون^۲، جیلپی^۳، وود^۴، ۱۹۸۶ فورای^۵، ۱۹۹۰).

آنچه بدیهی می نماید این است که پایه برنامه های آموزش موسیقی کودکان خواندن است و نقش مربی ، معرفی ملودی هایی است که با توانایی های آنان منطبق است در نتیجه تکرار قطعات آسان و

¹-Choksy. L .

²-Abramson. R. M

³-Gillespie. A

⁴-Woods. D

⁵-Forrai. K

آواز خواندن، باعث تقویت صدای آنان خواهد شد. همچنین ساده بودن قطعه به کودکان امکان توجه به روی زیر وبمی^۱، ملودی و ریتم را می دهد و سرانجام، آنها را دقیق تر از پیش خواهد کرد.

به کارگیری فعالیت حرکتی در برنامه های آموزش موسیقی

برخی کودکان پیش دبستانی از بازی های موسیقایی و حرکات همراه با آواز خواندن نظیر لالایی خواندن و تقلید در آغوش گرفتن لذت می برند. اما این بازی ها به تنهایی امکان تجربه های حرکتی را میسر نمی سازد و مربی می تواند برای جلب توجه کودکان به طور مثال از آنان بپرسد "احساسی که از این آواز دارید را به نمایش بگذارید". یا سوال کند " چه نوع حرکاتی در این موسیقی می توانیم اضافه کنیم؟" و یا این که چه ترانه هایی را می شناسیم که به آسانی ما را به تحرک وادارند. اگرچه تشویق کودکان به اجرای حرکات شخصی خودشان در نمایش آوازهای آشنا، ممکن است نقطه عطفی برای گسترش خلاقیت آنان باشد اما، بعضاً کودکان به طور خود جوش فعالیت هایی را اضافه می کنند که حتی یک بزرگسال حرفه ای نیز نمی تواند آنرا خلق کند.

قطعات کلاسیک آغاز خوبی برای تحول تجربیات حرکتی کودکان است. یک مارش یا قطعه مناسب رقص می تواند الهام بخش خوبی باشد. غالباً کودکانی که هوش بهر موسیقایی قوی دارند به طور حتم موسیقی آمیخته با زندگی روزمره را درک می کنند چرا که این حرکات می تواند توانایی تفکر را در آنان برانگیزد. برخی از مربیان موسیقی معتقدند که نمی توان این انتظار را از کودکان خردسال داشت که به موسیقی های ضبط شده واکنش نشان دهند. چه، این نوع موسیقی غالباً از جانب مربیان جهت داده شده و با نظارت مربی انجام می شود در نتیجه واکنش های طبیعی وخالص کودکان را نمی توان مشاهده کرد(فورای، ۱۹۹۰). چنانچه مربیان مایلند از موسیقی های ضبط شده استفاده کنند باید به کودکان اجازه دهند که پاسخ های خود را مبتنی بر ابتکار شخصی خودشان ارائه دهند. پاره ای از مربیان با استفاده روش کدای^۲ (یکی از متخصصان موسیقی کودک) از سازهای

¹ -Pitch

² -Kodaly

موسیقی برای کودکان زیر چهارسال استفاده نمی کنند (همان منبع) همچنین شنیدن موسیقی با سازهای آکوستیک بجای موسیقی های ضبط شده الکترونیکی را توصیه می کنند.

نام کودکان را هر زمانی که ممکن است بکار ببرید

گنجاندن نام کودکان در یک ملودی آشنا نه فقط برای شاد کردن کودکان بلکه درحس خاصی از بازشناسی به آنان کمک می کند. اسم کودک با آواز همکلاسی ها و مربی برای او خنده توام با شادی بسیار را به همراه دارد. استفاده از مفاهیم آشنا در ترانه ها و دخل و تصرف در آنها به کمک کلمات ساخته شده توسط کودکان می تواند به ایجاد ترانه های جدید با ملودی قبلی منجر شود. برای مثال هنگامی که ترانه " زاغی کجایی؟" را برای کودکان خوانده می شود نه تنها اسامی جانشین به کار برده می شود بلکه مفاهیم دیگری نیز توسط کودکان به ترانه الحاق می گردد (به طور مثال سارا کجایی؟ توی کلاس با شیوا). دامنه تنوع اسامی به کار برده شده به توانایی کودکان در بیان ریتم کلمات بستگی دارد به طوری که برخی اوقات این کلمات می توانند واقعی و معنی دار نباشند. بدین ترتیب آنان می توانند درآینده تفسیر خود را از جمله های موسیقایی به تصویر بکشند. بنابراین با چنین تجربه هایی یکپارچه شدن دو جنبه از هنر موسیقی و نقاشی را می توان مشاهده کرد .

باید به یاد داشته باشیم که استفاده از ترانه های آسان در محدوده صوتی کودک ،که با بخش های (سیلاب های) اسم کودک همراه است مناسب تراست و ما با دست زدن یا پاکوبیدن در بهتر شنیدن ریتم به کودکان ،به او کمک خواهیم کرد. به این ترتیب معرفی نت های موسیقی با اجرای اسامی و ارائه تفاوت ها و مقایسه نتها در اسامی مختلف، توجه آنان را بیشتر می کند و در شناخت ماهیت نمادین نت های موسیقایی به کودکان کمک می کند تا آنان بفهمند چگونه موسیقی را از روی نت های نوشته شده می توان ایجاد کرد. از آنجا که روش مورد نظر از جمله ابتدایی ترین اشکال خواندن به شمار می رود استفاده از این روش در مهد کودک ها و برای کودکان بزرگتر بسیار موثر می باشد.

افزایش تحول مفاهیم با استفاده از اصطلاحات موسیقایی

تجربیات موسیقایی به کودکان در یادگیری مفاهیمی چون بسامد^۱، کوک^۲، ملودی، ریتم، حفظ زمان ضربات، شدت^۳، نرمی، زیر و بمی^۴، تندی، کندی و ملودی کمک می کند. اگرچه برنامه ریزی ویژه ای برای آموزش هر یک از این مفاهیم چندان در مد نظر نیست لکن بدیهی است هدف اصلی از چنین آموزش هایی بهره گیری از راهبرد هایی است که موجب افزایش درک کودکان نسبت به مفاهیم موسیقایی بشود. برخی از راهبردهای آموزشی مورد نظر به طور خلاصه به شرح زیر ارائه می شود.

سلام کردن موسیقایی:

وقتی کودکان وارد می شوند با آواز به آنان سلام کنید و از کودکان بخواهید که با همان زیروبمی به شما پاسخ دهند. استفاده از الگوهای متنوع نت های E و G می تواند در آکو کردن^۵ ملودی های ساده توسط کودکان پیش دبستانی موثر باشد.

وقت خواستن و خواندن:

از کودکان بخواهید که ملودی دلخواه شان را در کلاس موسیقی انتخاب کنند و اولین نت ملودی انتخاب شده را با آواز یا ساز اجرا کنید.

پاسخ به ریتم ها:

از قطعات و سازهای ضربی در همناوای کودکان در مواردی مثل: مارش زدن، پریدن، لی لی کردن، وانمود به اسب سواری و اسکیت سواری کردن، استفاده کنید و از آنان پرسید که کدام یک از ریتم ها را ترجیح می دهند یا چگونه می توان ریتم ها را تغییر داد.

ضربه زدن روی پا:

¹ -Pitch
² -Tune
³ -Loud
⁴ -High & Low
⁵ -

یکی از بازی های ساده با کودکان این است که با دست به پا ضربه بزنید مثل " اتل متل توتوله " یا (Put the beat in your feet)، و سپس ضربه ها روی شانه ها، دست ها و سر نواخته می شود. بازی با ضربه زدن به قسمت هایی از بدن با انتخاب آنان توسط مربی یا یکی از کودکان ادامه می یابد. وقتی آنان با فعالیت آشنا شدند، یکی از کودکان می تواند رهبری بازی را به عهده بگیرد. همچنین این بازی می تواند درحالی که یک آهنگ مطلوب در حال خواندن است ادامه یابد.

تغییرات دینامیک:

برای معرفی مفاهیم موسیقی مثل بلندی، نرمی، کندی و تندی صداها از آهنگ مورد علاقه کودک استفاده کنید. حتی بکار بردن یک شعر آشنا، لالایی یا بازی با انگشتان می تواند به طور مطلوبی در رسیدن به این هدف کمک کند. فراموش نکنیم که باید به کودکان فرصت همخوانی آهنگ ها را با سرعت های متفاوت بدهید، تا به آنها در درک عناصر ابتدایی موسیقی کمک شود و این کار می تواند با ابزار های ریتمیک انجام شود. وقتی که موسیقی را با زیرویمی بالا به کودکان معرفی می کنید، مراقب باشید که آنها صدایشان را بیش از حد بالا نبرند. چه، گاهی اوقات کودکان آواز خواندن را به صورت جیغ زدن انجام می دهند و صدای آنان به اندازه کافی برای بلندخواندن آماده نیست. در این صورت ما می توانیم به کودکان نشان دهیم که چگونه می توانند از طریق تنفس دیافراگمی صدای حجم داری را تولید کنند .

معرفی کتاب های موسیقی:

اضافه کردن کتاب های موسیقی به کتابخانه باعث جذب کودکان به نت های موسیقی می شود ، کودکان می توانند توضیح دهند که چگونه گروهی از مردم می توانند با نگاه کردن به نت ها موسیقی را اجرا کنند یا آواز بخوانند. بهتر است از یک هنرمند برای صحبت کردن درباره کتاب های موسیقی ، آواز خواندن و اجرای ساز برای بچه ها دعوت کنید .

معرفی موسیقی فرهنگ های مختلف در کلاس

علاوه بر قطعات رایج و آشنا ، با مطالعه در فرهنگ جوامع ، موسیقی های متنوعی را انتخاب کنید و این جستجو را با آهنگ های آشنا شروع کنید. بسیاری از ملودی های محلی به دلیل بافت فرهنگی خاص خود منحصر به فرد هستند به علاوه احساس نزدیکی کودک به این نوع موسیقی منجر به تحول حرمت خود در او می شود. وقتی به معرفی موسیقی فرهنگ های دیگر می پردازید بهترین روش انتخاب آواز های کودکانه ای است که آنان بتوانند به راحتی آن را اجرا کنند. گوش دادن به موسیقی فرهنگ های دیگر احتیاج به یک دوره نظام دار آموزشی دارد چرا که معرفی یک صدای موسیقایی جدید همانند معرفی یک غذای جدید به کودکان می باشد. بخش های کوچکی از این موسیقی در همراهی با قسمت هایی از یک قطعه آشنا ، بازدهی بیشتری خواهد داشت.

برای یافتن منابع مناسب به کتاب فروشی ها ، کتابخانه ها مراجعه نمایید و روش های جدید را با مشورت با مربیان موسیقی جمع آوری نمایید .

همچنین مشارکت می تواند به گسترش تجربیات مختلف کودک کمک کند. با دعوت از متخصصین موسیقی سازهای مختلف را به کودکان معرفی کنید. دعوت از گروه های تخصصی اغلب برای بچه ها جالب است و این دیدارها باعث فراهم شدن موقعیتی است که در آن کودکان می توانند با سازهای زهی ، بادی برنجی ، بادی چوبی و کوبه ای آشنا شوند. البته به یاد داشته باشید که نباید کودکان را با این اطلاعات جدید سردرگم کرد بلکه بهتر است اجازه بدهیم خود با درک موسیقایی به این نتیجه برسند. سازها را به راحتی در دسترس کودکان قرار دهید تا بتوانند با آنها تجربه کسب کنند. به کودکان در درک اینکه موسیقی با زندگی روزمره شان آمیخته شده است کمک کنید و در تهیه مجموعه ای از مکان ها یی که در آن نوای موسیقی را شنیده اند کمک کنید (مثل قنادی ، بازار محلی ، پارک ، مکان های مذهبی ، خانه ، تاتر).

یکی از مهم ترین اهداف این روش بیان لذت مربی-که باید به روشنی نشان داده شود- نسبت به موسیقی است که می نوازد. موسیقی باعث پیوستگی مردم در خلال تجربیات مشترک شده و ماندنی

شدن لحظات خاص فراهم می آورد. به علاوه موجب آرامش ما شده و خستگی و اندوه را از ما دور می کند. ملودی ها باعث به یاد آوری دوستان، خانواده و یا خاطرات شده و موجب لذت و شادی می شود به ما کمک می کند که بدانیم که به عنوان یک انسان چگونه افرادی هستیم.

منابع:

پورتراب، مصطفی کمال

۱۳۷۴ تئوری موسیقی . تهران : نشر چشمه.

Bredekamp, S .,&Copple, C.

1997 *Developmentally appropriate practice in early childhood programs.*

Washington, D C: National Association for the Education of Young Children.

Choksy, L., Abramson, R. M., Gillespie, A., Woods, D.

1986 *Teaching music in the twentieth century.* Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

Forrie, K.

1990 *Music in preschool.* Budapest, Hungary: Franklin Printing House.

Gardner, H.

1983 *Frames of mind: The theory of multiple intelligences.*New York:basic books.

Hedrick, J.

1998 *Total learning, developmental curriculum for the young child (5th ed.).* Columbus,OH: Merril.

Morrison, G.

1998 *Early childhood education today (7th ed.).* Columbus, OH: Merril.

Rauscher,F.H.,Shaw,G.L.,Levine,L.J.,Wright,E.L.,Dennis,W.R.,&Newcomb, R.L.

1997 Music training causes long-term enhancement of preschool children's spatial-temporal reasoning. *Neurological Research*, 19,28

Warner ,L.

1999 *Childhood Education*. (Fall) p: 19-23